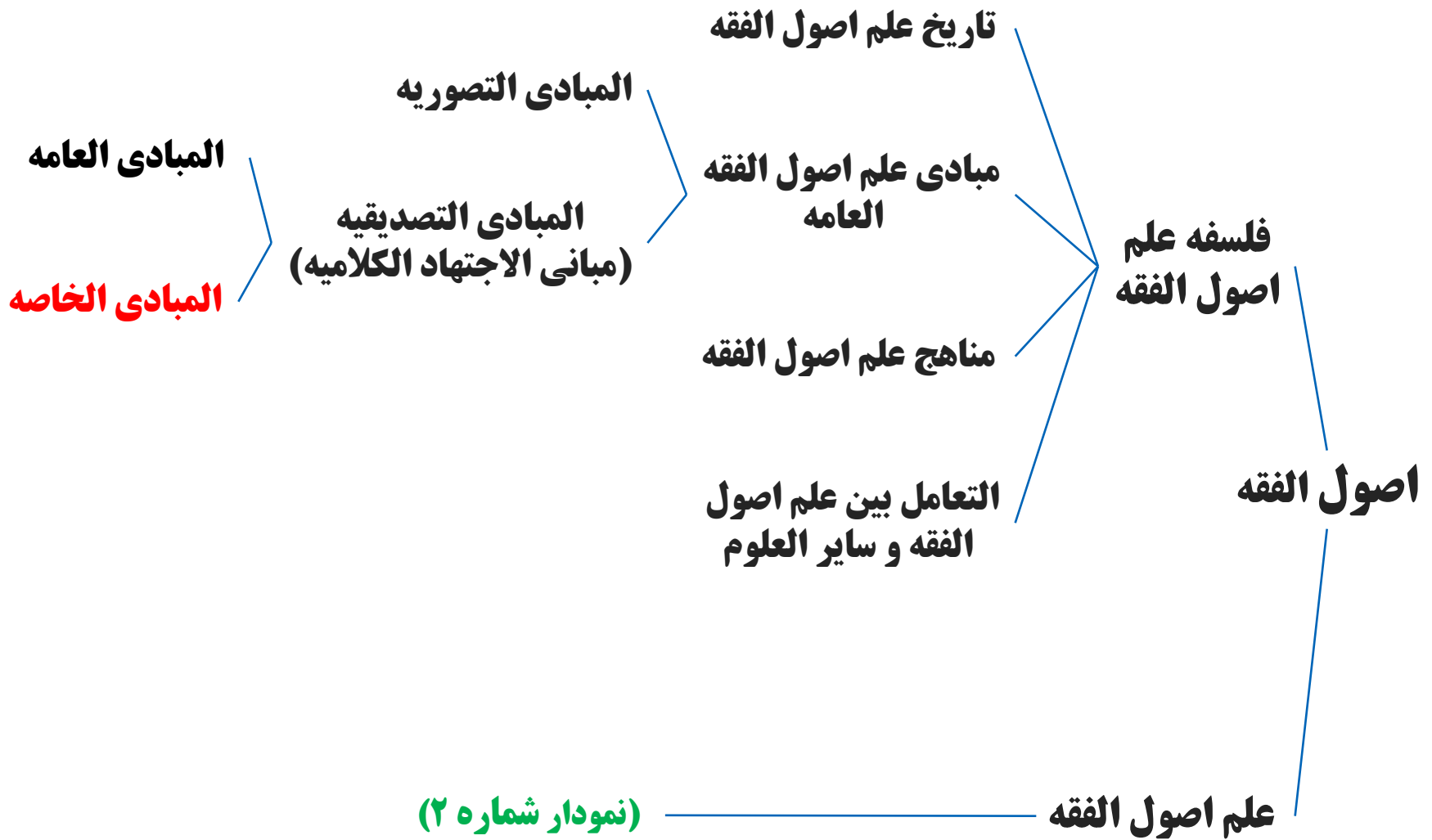


علم أصول الفقه

٢٧-١-٩١ مبادئ مختص تصديقي ٦٧

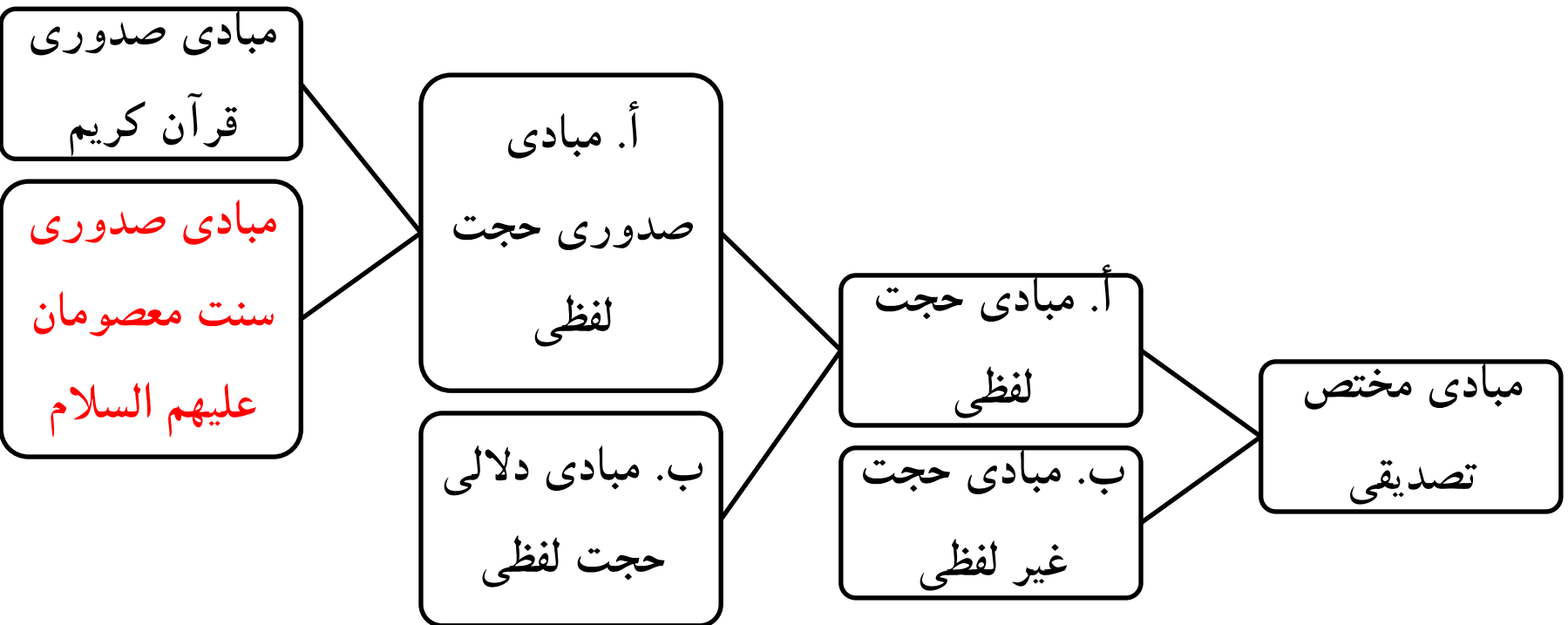
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

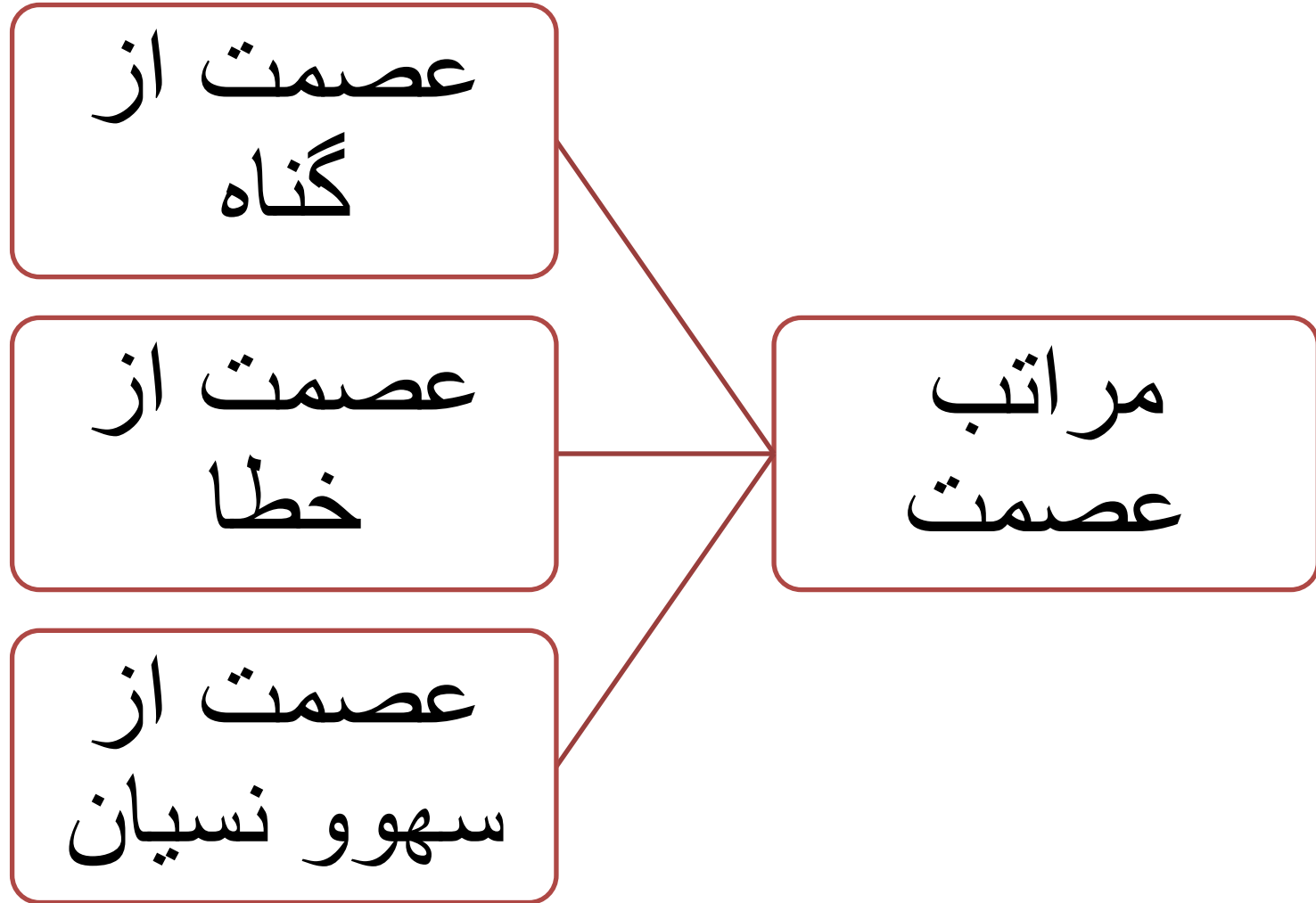
(نمودار شماره ۱)

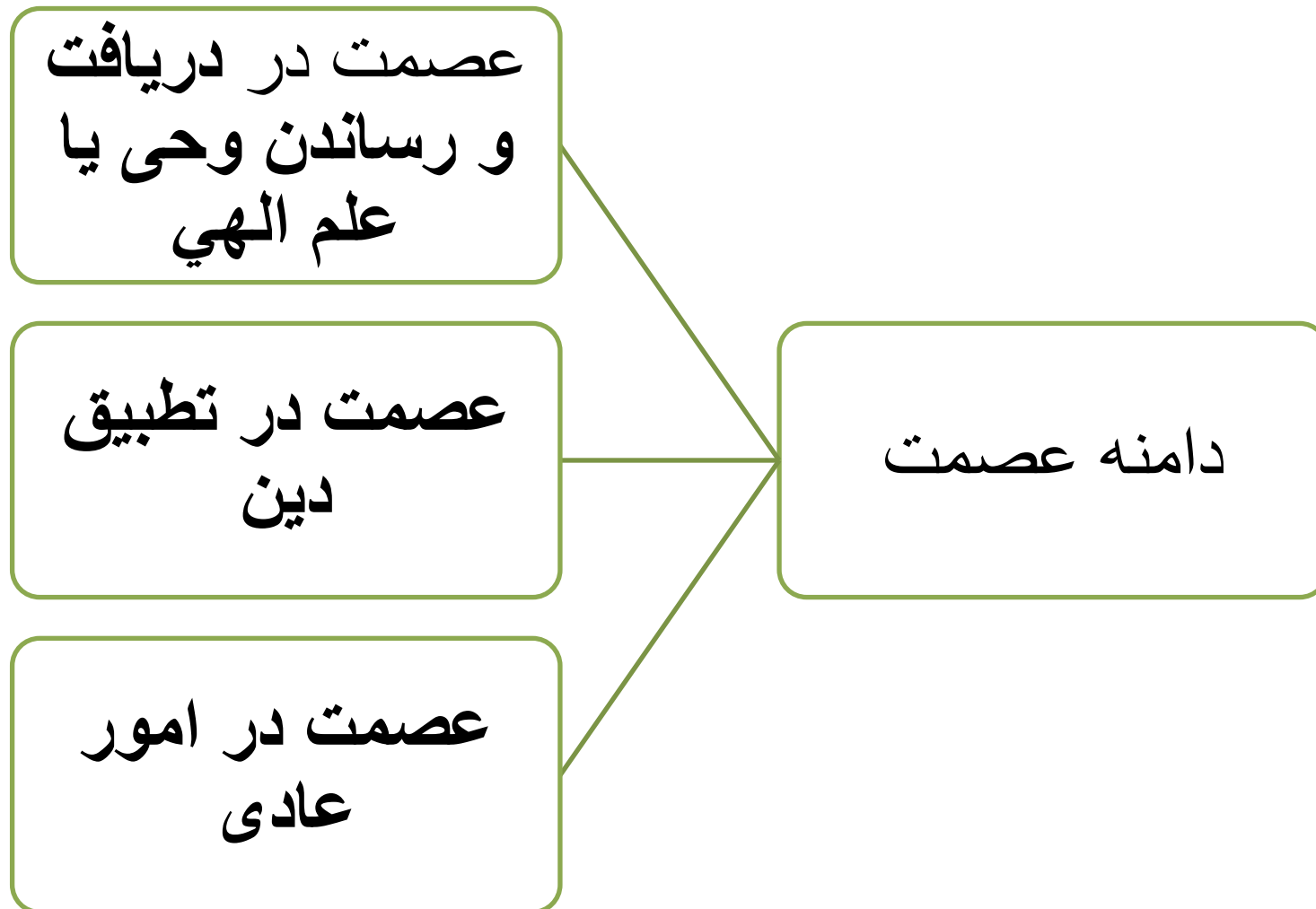


(نمودار شماره ۲)

علم أصول الفقه





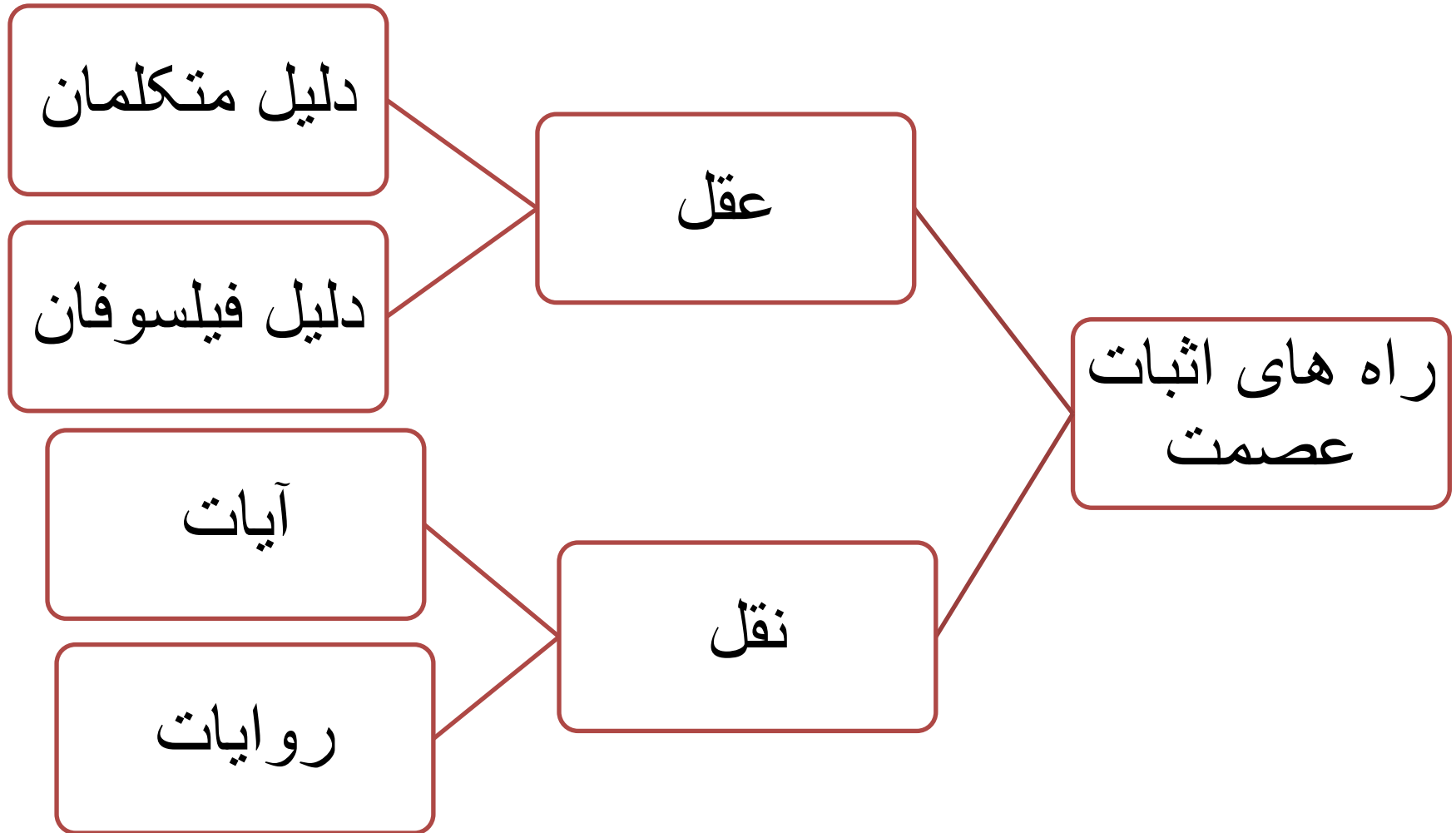


بعد از بعثت
یا امامت

دوران
عصمت

تمام زندگی

نگاهی گذرا به راه‌های اثبات عصمت



دامنه‌ی سنت

- بحث دیگری که در زمینه‌ی سنت مطرح می‌باشد، پاسخ به پرسش زیر است: آیا تمام رفتارها و گفتارهای معصومان منشأیی دینی دارد و اصلاً در بین آنها، رفتار و گفتار غیر دینی نیست؟

دامنه‌ی سنت

- اگر قایل باشیم که هر آنچه معصوم می‌گوید یا انجام می‌دهد، امر دینی است، همه‌ی آنها از دین خواهد بود و به عنوان سنت قابل مراجعه است. اما اگر تمامی آنچه را که از معصوم صادر می‌شود، امر دینی ندانیم، فقط به آن بخشی تمسک می‌کنیم که امر دینی است.

دامنه‌ی سنت

- به عنوان مثال پیامبر صلی الله علیه و آله با دست غذا می‌خوردند. آیا این عمل یک امر دینی بوده است؟ اگر نظر اول را بپذیریم، می‌بایست با دست غذا خوردن را امری دینی تلقی کنیم، حال چه به صورت واجب و چه به صورت مستحب.
- اما اگر بگوییم: علت با دست غذا خوردن پیامبر این بوده که این گونه خوردن مرسوم بوده و پیامبر به شیوه‌ی مرسوم بین مردم رفتار می‌نموده، تنها قسمتی از رفتار پیامبر دینی می‌باشد و آن این مطلب که وی به شیوه‌ی مردم روزگار خود در کارهای عادی ملتزم بوده است.

دامنه‌ی سنت

- پیامبر همانند مردم روزگار خویش پیراهن بلند عربی (دشداشه) می پوشیده و به عادت متعارف بین مردم با دست غذا می خورده است. التزام وی به رعایت عادات مردم در خوردن و پوشیدن امری دینی است، اما خود دشداشه پوشیدن یا با دست غذا خوردن امری غیر دینی - کاری عادی و طبیعی - خواهد بود.

دامنه‌ی سنت

- در پی این سؤال، با پرسش دیگری نیز روبه‌رو هستیم: اگر قایل باشیم که برخی اعمال و گفتار معصوم غیر دینی است، چگونه می‌توانیم تشخیص دهیم که رفتار و گفتار صادر شده از معصوم امری دینی است - که در نتیجه به عنوان سنت قابل تمسک باشد - یا امری غیر دینی و جزو امور عادی به شمار می‌آید - که در نتیجه به عنوان سنت قابل تمسک نیست - ؟
- به عبارت دیگر چه مقدار از گفتارها و رفتارهای آنها به عنوان منبع دین قابل تمسک است؟

دامنه‌ی سنت

- پاسخ به این پرسش‌ها و بحث‌هایی در این زمینه، دامنه‌ی سنت را معلوم می‌کند و برای پرداختن به آنها باید شؤون معصومان علیهم السلام را مورد بررسی قرار دهیم.

شؤون معصومان عليهم السلام

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به تبع ایشان، ائمه عليهم السلام از شؤون زیر برخوردارند:

شؤون معصومان عليهم السلام

- أ. شأن نبوت (شأن امامت به معنای علم الهی):
- این شأن اقتضا می‌کند که حضرت صلی الله علیه و آله پیام الهی دریافت شده از طریق وحی را برای مخاطبان پیام بیان نماید. این پیام (دین) به معنای وسیع کلمه اعم از اعتقادات (یعنی اموری که باید به آنها معتقد باشیم یا نباید به آنها معتقد باشیم)، رفتارها (یا شریعت یعنی اموری که باید به آنها عمل کنیم یا نباید به آنها عمل نماییم) و اخلاق (یعنی اموری که باید آنها را تحصیل کنیم یا نباید آنها را تحصیل نماییم) است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- شأن نبوت مقتضی بیان تمامی این موارد یعنی معتقدات دینی، احکام الهی و خلیاتی است که در دین مطلوب هستند و لازم است به آنها ملتزم باشیم یا نامطلوبند و لازم است از آنها اجتناب نماییم.

شؤون معصومان عليهم السلام

- امامت به معنای علم الهی در ائمه عليهم السلام، نیز هم طراز و مشابه نبوت در حضرت رسول صلی الله علیه و آله است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- نبوت در حضرت، اطلاع از حقایق دینی است از طریق که برای دیگران امکان ندارد. یعنی در واقع نبوت یک شأن علمی و ادراکی است. ائمه عليهم السلام اگرچه از نبوت برخوردار نیستند و وحی نبوی ندارند، اما علم آنها به احکام و حقایق دینی از طریق آموزش‌های متعارف (یعنی استنباط و اجتهاد) حاصل نشده است.
- علم آنها از سنخ وحی است؛ اگرچه در آن مرتبه و قالب نیست. ما از این علم به علم لدنی یا علم الهی تعبیر می‌کنیم.

شؤون معصومان عليهم السلام

- این شأن علمی برای ائمه عليهم السلام به وساطت رسول اکرم صلی الله علیه و آله صورت می پذیرد؛ اما نه این که پیامبر در یک کلاس، آموزه‌های خویش را به شاگردانش (ائمه عليهم السلام) می آموخته است.
- بلکه این یک طریق تکوینی است، شیوه‌ای است غیر از شیوه‌هایی که در علوم متعارف مرسوم است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- ناگفته نماند که شأن فتوایی فقیه نیز به همین شأن نبوت و امامت به معنای علم الهی بازگشت می‌کند. منتهی علم آنها نسبت به دین ناشی از اجتهاد و استنباط به روشی است که توسط اهل بیت عليهم السلام بنیان گذاری شده است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- پیامبر صلی الله علیه و آله، ائمه اطهار علیهم السلام و به تبع آنان فقها در این شأن، ناقل و رسانندهی حکمند و جاعل و اعتبار کننده نمی باشند.

شؤون معصومان عليهم السلام

- البته گفته شده است خداوند در حوزه‌های از امور شرعی، اختیار تشریح را به پیامبر صلی الله علیه و آله اعطا کرد و حضرت در آن حوزه اقدام به تشریح نمود. اگر چنین چیزی درست باشد، اختصاصات نبی است و فقط مربوط به ایشان می‌باشد و حتی در مورد ائمه عليهم السلام چنین مطلبی وارد نشده است.

شؤون معصومان عليهم السلام

• أبواب أعداد الفرائض و نوافلها و ما يناسبها

• «١» ١ باب وجوب الصلاة

- ٤٣٧٧ - ٢ - «٤» و بالإسناد عن زرارة قال: قال أبو جعفر ع فرض الله الصلاة و سن رسول الله ص علي «٥» عشرة أوجه - صلاة السفر و الحضر و صلاة الخوف علي ثلاثة أوجه - و صلاة كسوف الشمس و القمر و صلاة العيدين و صلاة الاستسقاء و الصلاة علي الميت.
- (٤) - الكافي ٣ - ٢٧٢ - ٣.

شؤون معصومان عليهم السلام

- رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ «٦» وَكَذَا الَّذِي قَبْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ يَعْْنِي كِتَابًا مَفْرُوضًا (٦) - الفقيه ١ - ٢٠٧ - ٦٢٠. وسائل الشيعة، ج ٤،

ص: ٨

- وَرَوَاهُ فِي الْخِصَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ مِثْلَهُ «١». (١) - الخصال - ٤٤٤ - ٣٩.

شؤون معصومان عليهم السلام

- «٦» ٢ بابٌ وُجُوبِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ وَ عَدَمِ وُجُوبِ صَلَاةِ سَادِسَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ
- ٤٣٨٥ - ١ - «٧» مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعًا عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ - فَقَالَ خَمْسُ صَلَوَاتٍ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ - فَقُلْتُ هَلْ سَمَّاهُنَّ اللَّهُ وَ بَيْنَهُنَّ فِي كِتَابِهِ قَالَ نَعَمْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِنَبِيِّهِ ص اَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ «٨» (٨) - الْاِسْرَاءُ ١٧ - ٧٨. وَ ذُلُوكُهَا زَوَالُهَا - وَ فِيمَا بَيْنَ ذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ -

شؤون معصومان عليهم السلام

- سَمَّاهُنَّ اللَّهُ وَ بَيْنَهُنَّ وَ وَقَّتَهُنَّ - وَ غَسِقَ اللَّيْلُ هُوَ انْتِصَافُهُ - ثُمَّ قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ قَرَأَ الْفَجْرَ - إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا « ١ » (١) - الاسراء ١٧ - ٧٨. فَهَذِهِ الْخَامِسَةُ - وَ قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي ذَلِكَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ « ٢ » - (٢) - هُودُ ١١ - ١١٤. وَ طَرَفَاهُ الْمَغْرِبُ وَ الْغَدَاةُ وَ زُلْفَاهُ مِنَ اللَّيْلِ وَ هِيَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ - وَ قَالَ تَعَالَى حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى « ٣ » - (٣) - الْبَقَرَةُ ٢ - ٢٣٨. وَ هِيَ صَلَاةُ الظُّهْرِ وَ هِيَ أَوَّلُ صَلَاةٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ ص - وَ هِيَ وَسْطُ النَّهَارِ - وَ وَسْطُ صَلَاتَيْنِ بِالنَّهَارِ صَلَاةُ الْغَدَاةِ وَ صَلَاةُ الْعَصْرِ - وَ فِي بَعْضِ الْقِرَاءَةِ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ - وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى صَلَاةُ الْعَصْرِ « ٤ »

شؤون معصومان عليهم السلام

- وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ - قَالَ وَ أَنْزَلَتْ «٥» هَذِهِ الْآيَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ - وَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي سَفَرِهِ فَقَنَتْ فِيهَا رَسُولُ اللَّهِ ص - وَ تَرَكَهَا عَلَى حَالِهَا فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ - وَ أَضَافَ لِلْمُقِيمِ رَكْعَتَيْنِ - وَ إِنَّمَا وَضِعَتِ الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ أَضَافَهُمَا النَّبِيُّ ص يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِلْمُقِيمِ - لِمَكَانِ الْخُطْبَتَيْنِ مَعَ الْإِمَامِ - فَمَنْ صَلَّى يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي غَيْرِ جَمَاعَةٍ - فَلْيُصَلِّهَا أَرْبَعَ رَكْعَاتٍ كَصَلَاةِ الظُّهْرِ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ.
- (٧) - الكافي ٣ - ٢٧١ - ١، و تفسير العياشي ١ - ١٢٧ - ٤١٦، و أورد قطعة منه في الحديث ١ من الباب ٥ من هذه الأبواب. و أورد ذيله في الحديث ١ من الباب ٦ من أبواب صلاة الجمعة.

شؤون معصومان عليهم السلام

• وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ «٦» (٦) - الفقيه ١ - ١٩٥ - ٦٠٠.
 وَ رَوَاهُ فِي الْعِلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
 حَدِيدٍ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ
 حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ «٧» (٧) - علل الشرائع - ٣٥٤ - ١. وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ
 بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَمَّادٍ «٨» (٨) - التهذيب
 ٢ - ٢٤١ - ٩٥٤. وَ

• رَوَاهُ الصَّدُوقُ فِي مَعَانِي الْأَخْبَارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ وَسَائِلِ
 الشَّيْعَةِ، ج ٤، ص: ١٢ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ
 الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى
 مِثْلَهُ إِلَى قَوْلِهِ وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَاتِلِينَ فِي صَلَاةِ الْوُسْطَى «١»

شؤون معصومان عليهم السلام

- ١٤١٧، ٦، ١٤ - ٢٤ عليُّ بنُ الحَسَنِ عَن مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَن أَبِيهِ عَن رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ عَن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو وَ عَن رَبِيعِ عَن الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِيدِ عَن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَدَّبَ مُحَمَّدًا ص فَأَحْسَنَ تَأْدِيبَهُ فَقَالَ - خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجاهلين قال فلما كان ذلك أنزل الله عليه - و إنك لعلي خلق عظيم فلما كان ذلك فوض إليه دينه فقال ما آتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا و اتقوا الله إن الله شديد العقاب ...

شؤون معصومان عليهم السلام

...

فَحَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ بِعَيْنِهَا وَحَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلَّ مُسْكِرٍ فَأَجَازَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ وَفَرَضَ اللَّهُ الْفَرَائِضَ فَلَمْ يَذْكُرِ الْجَدَّ فَجَعَلَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَهْمًا فَأَجَازَ اللَّهُ ذَلِكَ لَهُ وَكَانَ وَاللَّهُ يُعْطِي الْجَنَّةَ عَلَى اللَّهِ فَيُجَوِّزُ اللَّهُ ذَلِكَ لَهُ

شؤون معصومان عليهم السلام

- أن فوّض تشريع بعض العبادات على الناس إلى النبيّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أو على نفسه، فإذا أوجب النبيّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أمرًا عليهم عنه تعالى فقد فعل هذا بأمره و صار هذا واجبًا يكون أمره صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أمره تعالى.

شؤون معصومان عليهم السلام

- فكما أنّ أحداً لو فوّض تعيين أمر إلى غيره فعين، يقال: إنه معين، فكذلك ما شرّعه النبيّ صلى الله عليه وآله وسلم بإذنه تعالى الكلّي كان تشريعاً من الله، فانظر إلى ما يشرّعه النبيّ صلى الله عليه وآله وسلم و يقول مثلاً: من فعل كذا فله أجر كذا، فهذا إنشاء منه في جعل الحكم و في جعل الثواب المعين، و ليس إخباراً قطعاً، إذ لو لا تشريعه ذلك الحكم لم يكن الثواب مترتباً على فاعله.

شؤون معصومان عليهم السلام

- و هذان الإنشاءان بعد إذنه تعالى له في التشريع، فكأنه قال: اجعل عني كلَّ حكمٍ تريد و تراه صلاحاً، و اجعل ثواباً تراه عليه، فما جعله هو ما جعله الله تعالى، فهذا النادر قد أذن الله تعالى أن يجعل، و يوجب عنه عليه أمراً لكن لا مطلقاً بل ما لم يكن محرماً و كان مأذوناً عني مع قطع النظر عن التزامك به، فهذا يقول: قد أوجبت عن الله على نفسي كذا، المستفاد هذا من قوله: لله على كذا، كما يقال: لك على أن أفعل كذا.

شؤون معصومان عليهم السلام

- احكامی را که از این شأن تبیین می گردند، احکام الهی می نامند و این احکام به نحو کلی و بدون اختصاص به شرایط و موقعیت خاص صادر می شوند.